انتخابات آمریکا و پیامد های آن

کیومرث صابغی

خب، انتخابات انجام شد و آقای ترامپ بار دیگر مسئولیت دار ترین مقام های اداری – سیاسی را چه در آمریکا و چه در جهان عهده دار شد.

قبل از پرداختن به بررسی این انتخابات و مسئولیت های آقای ترامپ، چه از جایگاه تاثیر بر مسائل درونی کشور و چه از زاویه توضیح مناسبات بین المللی، ضرورتا باید به چند مورد قانونی و حقوقی این انتخابات اشاره کنم. انتخاب رئیس جمهور و انتقال آرام قدرت و کلید کاخ سفید به رئیس جمهور جدید امری بسیار مهم است، اما مهم تر از آن رابطه و همکاری رئیس جمهور جدید با نمایندگان کنگره و سنا است. طیف وظایف این دو پارلمان از تنظیم و تدوین لایحه هایی از قبیل تدوین و تصویب بودجه، تنظیم قرارهای مالیاتی، تنظیم قرار دادهای بین المللی تا اعلان جنگ جهانی است. بنا بر این نقش این دو پایگاه بسیار حیاتی است. رسم بر اینستکه مثلا کنگره پس از تدوین و تصویب لایحه ای آن را برای توشیح به دفتر ریاست جمهوری که بنا به تعریف مجری قوانین است میفرستد. آنگاه رئیس جمهور پس از مطالعه مصوبه موافقت و یا مخالفت خودش را با توجه به حق وتو اعلان میکند، دخالتی آشکار و حقوقی در قوه مقننه. بنا بر این رئیس جمهور منتخب باید بتواند با اقلیت و اکثریت نمایندگان این دو نهاد رابطه ای مدارا گرایانه و همکارانه بوجود آورد، مسئله ای که از زمان ریاست جمهوری نیکسون به بعد هیچگاه آرام پیش نرفته است و تاریخ چهار ساله حکومت آقای ترامپ یکی از پر تنش ترین دوران این روابط است. از این جهت کرسی های این دو

پارلمان و تعداد نمایندگانی که آن را پر میکنند برای پروسه تصویب مصوبات و همچنین حفظ و تامین نظام بسیار حیاتی است. به نظر میرسد که این دوره و با توجه به اکثریت کرسی های هر دو پارلمان و کاخ سفید در اختیار جمهوری خواهان راه برای طرح های ترامپ آسان تر پیش خواهد رفت.

اما مسائلی که در جلوی روی آقای ترامپ قرار گرفته دو لبه است – مسائل داخلی مثل: کاهش گرانی ارزاق و پایه های معیشتی، کاهش نرخ بنزین، سقط جنین، کاهش تورم و نرخ بیکاری و راه حل برای مهاجرین غیر قانونی، و در حوزه بین المللی مسائلی مثل: اوکراین و پوتین، تعرفه های ۲۶% تا ۴۶% بر واردات و در رابطه با روابط اقتصادی با چین و باز گرداندن اقتصاد آمریکا به آمریکا ، مسئله اسرائیل و فلسطین و لبنان و غزه، شفاف کردن رابطه با جمهوری اسلامی و نهایتا پرداختن به مسئله محیط زیست است. انبوهی از مشگلات که هیچیک به آسانی راه حل ساده و مناسبی ندارند. همه اینها به این خاطر در زمین آمریکا بازی میشوند چرا که از بعد از جنگ جهانی دوم و بخصوص پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، آمریکا در جایگاه تنها قطب قدرت جهان نشست و بدنبال آن میزان دخالت هایش در امور داخلی کشورها تا به حد اشغال کشور و تغییر رژیم ها هم رسید. بحثی طولانی است و من در میزگرد مشترک شنبه پیش در بخش نخست این متن (جغرافیای انتخابا تی ریاست جمهوری در آمریکا) به گوشه هایی از آن اشاره کردم و از تکرار آن خودداری میکنم.
واقع آنکه کشورهای جهان در عین اینکه بخشا زیر سایه سلطه اقتصادی آمریکا بسر میبرند، اما نسبت به آغاز قرن گذشته به استقلال های داخلی فروانی هم دست یافته اند که بر روی مناسبت سیاسی با بقیه کشورها و بخصوص با کشور آمریکا تاثیر گذار بوده است. و تعداد این کشورها امروز فزون است. بعبارت دیگرما شاهد کاهش تقریبی نفوذ سیاسی آمریکا در سراسر جهان هستیم و برهمین اساس هم مجبور به باز کردن فصل جدیدی از تعریف توازن قدرت در جهان شده

ایم. قدرت سیاسی چند قطبی در تقابل با تک قدرتی یا دو قطبی. به گمان من ترامپ باید سیاست هایش را از این دو منظر مورد بررسی قراردهد. حال این سیاست ها چیستند و راه حل آنها کدام است:
۱- پایان دادن به جنگهای منطقه ای و تضمین صلح جهانی: رقابت ها، تنش ها وروند توسعه کشورهای استقلال یافته در حال رشد، بافت جدیدی از سیستم سیاست ورزی در جهان بوجود آورده است که ظاهرا برای خیلی از دولتمردان نسل پیش امری است یا نا شناخته و یا خلاف پرنسیپ های آنان. آنان باید به این باور برسند که برای حفظ و پایداری جهان دیگر نمی شود تک کلامی کرد و فرمانده بلا منازع شد. پارادایم شیفتی که از ۵ دهه پیش تا به امروز مشاهده شده است مانند پیدایش تکثر بینشی و عقیدتی، کنکاش های سیاسی و نظامی و رقابت های گاه خصمانه اقتصادی همه گیر دقیقا ناظر بر این مدعا است. ترامپ باید بتواند با همکاری با سایر کشور های جهان گامهای بلند و کار سازی در جهت تحکیم صلح جهانی بردارد. اگر چه با توجه به نظرات و عرق شدیدا محلی گرایی و ناسیونالیستی وی افق چندان روشنی در این حوزه مشاهده نمیشود.
۲- مسئله اقتصادی: رئیس جمهور با دو جبهه اقتصادی در مصاف است:
الف – مسائل داخلی از قبیل نرخ تورم ۲,۴% و نرخ بیکاری با رقم ۴,۱۰ % در قبال هزینه بالای زندگی مثل گرانی ارزاق و مسکن و بنزین. مطابق آماریکی از مراکز معتبر آمار گیری در آمریکا، در آمد سالانه ۳,۱% شهروندان آمریکا یعنی قریب به ۱۰ میلیون حدود ۱۵۰۰۰ دلار، در آمد سالانه ۱۰,۳% شهروندان یعنی قریب به ۳۶ میلیون بین ۳۵۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰ و در آمد سالانه ۲% بالای جمعیت چند میلیون دلار است. با توجه به میزان مالیاتی ۱۵ تا ۱۹ در صدی برای در آمدهای پایینی و نرخ بالای تورم و بیکاری میتوان محاسبه کرد که این دو لایه از شهروندان به چه میزانی تحت فشار هستند و در چه شرایطی بسیار سخت زندگی میکنند. مشگلی عظیم که بتدریج به ارقام بی خانمانی خانواده ها و سوء

تغذیه افزوده میشود؛ عناصری که بالفعل میتوانند در رشد فاشیسم و تایید پوپولیسم موثر باشند. برنامه اقتصادی ترامپ باید بتواند درمانی برای این بیماری های داخلی بیابد. به گمان من یکی از دلایل موفقیت ترامپ در این دوره انتخاباتی تأکید بر اقتصاد امریکایی برای آمریکا و در مخالفت با گلوبالیزاسیون است. همین تاکید و در مخالفت با قراردادها و ناموزونی واردات و صادرات ، نرخ تعرفه و جهانی شدن طبقه سرمایه داری است که ترامپ را برای لایه های تولید کنندگان غیر ماهر، چه در سطح کارگری و چه در سطح پیشه وری چهره ای محبوب کرده است. اگر چه در دوره قبل هم همین ادعا را داشت ولی در عمل کاری حیاتی صورت نداد، اما بی توجهی بایدن به مسئله معیشتی مردم در چهار سال گذشته مردم را به سوی قول ها و به نفع ترامپ سوق داد.

ب – اقتصاد جهانی – به گمان من از آغاز هزاره سوم به بعد، با پیدایش طبقه سرمایه داری جهانی مناسبات اقتصادی که Adam Smith تعریف کرده بود از جایگاه تولید و توذیع کشوری به ساحت بین المللی قدم گذاشت. بعبارت دیگر امروز سرمایه دار آمریکایی و هندی و چینی زیاد به بازار داخلی خودشان نمی اندیشند. جهان نگرند. آمریکا در این حوزه، بنیان گذار گلوبالیسم و از مبلغین سرمایه داری جهانی است و بایدن و دمکراتهای آمریکا و بخش بالای جمهوری خواهان از طرفداران این راه اقتصادی اند، امری که ترامپ سخت مخالف آن است وبه لحاظی شعار باز گردندن سرمایه آمریکا به آمریکا پوپولیسم او را پر رونق تر کرده است. برای اینکه رقابت های اقتصادی عامل تنش های سیاسی و عقیدتی نشوند، ترامپ نا گزیر است که با جهان به عقد قراردادهای منصفانه و معتدل تن در دهد و جهان را در تکثر ببیند و نه در قطب. کاری که انجامش به گمان من از سوی ترامپ اگر ناممکن نباشد، بسیار پر درد سر است.

۳- مسئله محیط زیست – آمریکا و هند و چین مسئول ترین کشورهای جهان در پریشان کردن محیط زیست

هستند. گازها ی مسموم حاصل از مصرف سوخت انرژی فسیلی همراه با تاثیر گذاری تفاله های انرژی اتمی زندگی را نه تنها برای انسانها، بلکه برای نباتات و حیوانات هم خطرناک کرده است. زمینی که ما امروز رویش زندگی میکنیم باید برای نسل های آینده هم قابل زیست باشد. ترامپ باید بطور جدی همراه با بقیه کشورها گامهای موثری در تغییر شرایط موجود بردارد.
۴- وظایف سیاسی و روابط بین المللی آمریکا – آمریکا باید بپذیرد که تغییراتی که در ساختار سیاسی – اجتماعی جوامع و کشورها ی جهان از آغاز هزاره سوم ببعد رخ داده اند ماندنی است و آمریکا نمیتواند بر روال نوستالژی جایگاه بعد از جنگ با بقیه جهان معامله کند. دیگر توازن قدرت به تنهایی نیست که ضامن دمکراسی است، حضور قدرت ها در صحنه تصمیم گیریها هم عنصری در تعریف و تحکیم این مناسبات است.
۵ – ترامپ و ایران و اسرائیل – علیرغم اصرار بر روی تحریم ها، اوباما و بایدن چشم های خود را بروی خیلی از معاملات بین المللی ایران بستند و ایران توانست بالنسبه با فشار تحریم ها کنار بیاید. به گمان من با توجه به نزدیکی ترامپ با اسرائیل شانس آنکه بر فشار تحریم ها افزوده شود زیاد است. با این همه ترامپ در کمک به اسرائیل برای حمله به ایران پیشقدم نخواهد شد. اما میتواند با کوشش برای نزدیک تر کردن کشورهای عربی و بخصوص عربستان سعودی با اسراییل، ایران را ایزوله تر کند.

در پایان بآید به نکته ی اشاره کنم که اخیراً ، و به درستی ، مورد توجه جهان آگاه و فعالین اجتماعی قرار گرفته است: خطر رشد افراطی گرایی راست از جایگاه پوپولیسم. قبل از ترامپ کمتر کسی از مقوله راست افراطی سخن میگفت، علیرغم آنکه این مقوله وجود داشت و در قالب نیروهای میلیشیایی و سازمان های راست گرا و فاشیستی چه در اروپا و چه در آمریکا فعالیت میکردند. اما حادثه آفرینی ترامپ

بعد از انتخاب بایدن نگرانیهای عمومی را نسبت به این مقوله حساس تر کرد و فصل جدیدی در تعریف راست باز کرد و آن آغاز نقش سیاسی جهانی پوپولیستی و گرایش به فاشیسم است.
فاشیسم در اروپا بنا بر مایه ی وحدت ملی گرایی افراطی و در تقابل با اتحادیه های کارگری و کمونسیم بوجود آمد. این فاکتور امروز در آمریکا و در جهان وجود ندارد. البته باید پذیرفت که فقر، بیکاری و حتی نارسایی های برنامه های اقتصادی دولتی، عاملی که سبب فروپاشی شوروی گشت، میتواند به رشد فاشیسم کمک کند. اما عامل خلقت فاشیسم نیست. در این مورد میتوان مثلا به هندوستان و برخی کشورهای آمریکای لاتین در معادله فقر و دمکراسی نگاه کرد. باید دانست که فاشیسم سعی میکند با تعریف متفاوت از قوانین و باورهای معمول اجتماعی مثل ملی گرایی افراطی و نژاد پرستی و تاکید بر نیاز به برنامه ریزی نو و نتیجتا رهبری نو، بدیل جدیدی برای رشد و تغییر عرضه کند و عده ای را بسوی خود جلب کند. واقعه ای که در ایتالیای موسولینی پدید آمد. امروز اما، با توجه به درهم تنیدگی بافت روابط اقتصادی – سیاسی جهان خطر بروز چنین شرایطی اگر نا ممکن بنظر نیاید، حد اقل بسیار ناچیز است. از این روی اگر چه ترامپ امروز تبدیل به سمبل این نظریه شده است ولیکن به گمان من بیش از آنکه وی خطری جدی و بلقوه برای دمکراسی باشد سوژه ای برای ژورنالیست ها است. بدون آنکه بخواهم به نقش حادثه آفرینی های طرفداران این نظریه بی تفاوت باشم، و یا به آن اهمیت لازم را ندهم باید بگویم که جهان امروز با تجربه تر و خرد مند تر از آنستکه تجربه های تلخ گذشته و کوره پزی آشویتس را یکبار دیگر بیازماید. فراموش نشود که بار اول نیست که آمریکا با یورش راست روبرو است، مکارتیسم سال های ۵۰ شبحی سیاه تر از ترامپ بر فراز آسمان آمریکا افکنده بود ولی نهایتا به تاریخ پیوست. اکنون هم ترامپ اگر چه حادثه آفرینی ماهر است اما تاریخ ساز نیست.

- این متن – بخش دوم – به مناسبت انتخابات آمریکا در تاریخ شنبه هشتم نوامبر ۲۰۲۴ برای یک میزگرد تنظیم شده بود. بخش نخست آن (جغرافیای انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا) در تاریخ دوم نوامبر پیش از انتخابات در میزگرد دیگری ارائه شده بود.

سومین نشست از سلسله گفتگوهای نهادهای جمهوری‌خواه

میزگرد
جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

بحث و گفتگوی نهادهای جمهوری‌خواه

جهت رسیدن به دیدگاه‌های مشترک برای همکاری، همفکری و همگرائی

سومین نشست از سلسله گفتگوهای نهادهای جمهوری‌خواه، برای روشن کردن نظرات و دیدگاه‌ها و برنامه‌های آنان در راستای همفکری، همگرائی و همکاری با دیگر نهادهای مشابه، روز سه شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۲۴، در زوم برگزار می شود.

در این نشست «نهاد همگرائی جمهوریخواهان ایران - استکهلم »، به تشریح دیدگاهای خود در زمینه‌های چگونگی همکاری و همگرایی بین جمهوری‌خواهان، مشکلات

و موانع موجود خواهد پرداخت.

این نشست‌ها هر دو هفته یک بار در روزهای سه شنبه، به مدت دو ساعت (از ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۲:۰۰ به وقت اروپای مرکزی) برگزار خواهند شد. در هر نشست یک نهاد جمهوری‌خواهی به طرح و تشریح نظرات خود خواهد پرداخت.

امید است که نهادهای جمهوری‌خواهی به دیدگاه‌های مشترکی برای همکاری و همگرایی برسند.

این نشست‌ها علنی و شرکت در آن برای همگان آزاد است.

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۶ نوامبر ۲۰۲۴

Zoom Meeting
https://us02web.zoom.us/j/84707397754?pwd=vEDH6aoGQ22PiZUQd87MqZEPyBfCQc.1

Meeting-ID: 847 0739 7754
Kenncode: 691863

جغرافیای انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا

کیومرث صابغی

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا هر ۴ سال یکبار در اولین سه شنبه ماه نوامبر انجام میشود. کاندیداها که بعضا تعلقاتی به دو حزب جمهوری خواه و یا دمکرات دارند و بخشا مستقل هستند در بهار اعلان حضور میکنند و بحث و گفتگو پیرامون نظرات و برنامه هایشان آغاز میشود که نهایتا تعدادی به نفع دیگران کنار میروند و سرانجام در تابستان همان سال کنگره های حزبی برای انتخاب نمایندگان باقی مانده که معمولا شامل نماینده ی از دو حزب است برگزار میشود. از پاییز، یعنی ماه سپتامبر تا نوامبر مناظره های کاندیدهای دو حزب شروع میشود و ماه نوامبرهم که انتخابات است و۲۰ ژانویه هم رئیس جمهور منتخب سوگند یاد میکند. لازم به یاد آوری است که سیستم ۲ حزبی در آمریکا بخشی از قانون اساسی این کشور نیست. قراردادی است که بصورت قانون در آمده و طبیعتا مثل هر قانون دیگری قابل تغییر هست. اما این هم یکی از مواردی است که هیچگاه اقدام به تغییرآن نشده است. عناصری که به گمان من در این انتخابات تاثیر گذار و انتخاب کننده اند قول های اقتصادی مثل مبارزه با گرانی و بخصوص مواد غذایی و بنزین، کاهش تورم ۲،۴% و بیکاری ۴،۱% است. سن، جنسیت و با توجه به نقش فعال تبلیغاتی اوباما در این معرکه برای جلب مشارکت وسیعتر سیاه پوستان هم عوامل دیگری در انتخاب آقای ترامپ و یا کاملا هریس خواهد بود. به همین لحاظ شانس خانوم هریس علیرغم کم دانشی سیاسی و کم تجربه گی در دنیای بیرون از آمریکا، در مقابل اقای ترامپ با توجه به سابقه جنجالی اش، کمی بالا تر خواهد بود.

شیوه انتخابات در آمریکا دو لبه و متشکل از Popular Vote – یا آرا عمومی و Electoral college – یا انتخاب نمایندگان ایالتی است.

الف – Popular vote به این معنا است که شهروندان با یک رای حق شرکت در انتخابات را دارند و معمولا بین ۶۳ تا ۶۸ در صد رای دهندگان که به حدود ۱۵۰ تا ۱۶۸ میلیون نفر میرسد در انتخابات شرکت میکنند. آنچه که مردم آمریکا را از مردم بقیه کشور های جهان متمایز میکند اینستکه از آنجا که این کشور هیچگاه مورد حمله و تجاوز قرار نگرفته است، آنگاه که بقیه جهان به زندگی از دیدگاه تاریخ تجربه ی ستمها، قحطی ها، جنگ ها و نابودی ها نگاه میکنند، اکثریت مردم آمریکا به زندگی از دیدگاه لذت بردن از

زندگی و خود زندگی نگاه میکنند. Methaphorically شاید نگاهی خیام وار باشد و به همین دلیل هم هست که هنگام مشارکت در انتخابات به نیازشان توجه بیشتری دارند تا به مناقشات سیاسی و داد و ستد های جهانی و یا حتی در مواردی به اتیک و ارزش های اخلاقی کاندیداها. انتخاب پوپولیستی مثل ترامپ و یا انتخاب آیزنهاور سمبل قهرمانی جنگ جهانی دوم نمونه هایی از این رفتار است.
همینجا باید بگویم که این نگاه اصلا به این معنا نیست که آنان دور از وقایع جهانی اند. این کشور در عین حال از تاریخی بسیار ترقی خواهانه و مبارزه جویانه در زمینه های مدنی، کارگری، سندیکایی جنبش زنان، جنبش دانشجویی و ضدنژاد پرستی و هومانیستی هم برخوردار بوده است که در بعضی موارد شاید نمونه باشند. مثلا و به عنوان نمونه جنگ ویتنام را جانسون پایان نداد. تظاهرات و اعتراضات چند ملیونی و مستمر مردم آمریکا بود که جانسون را وادار به خاتمه جنگ کرد. و نمونه های فراوان دیگری که ثبت شده اند.

ب- Electoral college به این معنا است که هر ایالتی بنا به شمارش جمعیت اش تعدادی نماینده به کنگره و هر ایالتی ۲ نماینده به سنا میفرستد. تعداد این نمایندگان جمعا به ۵۳۸ نماینده پارلمانی میرسد که از آن میان ۴۳۵ نفر در کنگره و ۱۰۰ نماینده هم در سنا همراه با سه رای واشنگن DC مینشینند. مثلا کا لیفرنیا با جمیت تقریبا ۳۹ میلیون ۵۵ نماینده، تکزاس ۴۰ نماینده، نیوهمپشایر ۴ نماینده در کنگره دارند. سایر ایالا ت هم هستند که تعدا د کمی و یا بیشتر نماینده دارند. حال اگر کاندیدایی اکثریت آراء را در یک ایالت بیاورد، تمام آراء electoral آن ایالت را برنده شده است. طبعا ایالآتی که شمارش بیشتری نماینده داشته باشند شانس انتخاب کردن رئیس جمهوری را بیشتر دارند صرفنظر از اینکه کاندیدایی اکثریت آراء را در ایالتی کوچک تر آورده باشد یا نه. شمارش این آراء در هفته سوم ماه دسامبر اعلام میشود که اصطلاحا به لبه دوم انتخابات معروف است و انتخاب رئیس جمهور را رسمیت میدهد. تعداد آراء برای انتخاب شدن ۲۷۰ رای electoral است. حال اگر هر دو کاندیدا نفری ۲۶۹ رای آوردند و برابر شوند، در آنصورت کنگره با ۵۰ نماینده ایالتی و سنا با ۵۰ نماینده ایالتی هر یک با یک رای و اکثریت ۲۶ رای رئیس جمهور و معاون را انتخاب میکنند: گنگره رئیس جمهور را و سنا معاون رئیس جمهور را. در این صورت رای واشنگن DC به حساب نماید. لازم به

یاد آوری است که سالها است که این شیوه انتخابات هم مورد نقد قرار گرفته است و غیر دمکراتیک بودن آن هم مورد بررسی قرار گرفته است، اما هیچگاه بصورت لایحه ای برای تغییر به کنگره نرفته است.
نقشه انتخابات با دو رنگ آبی، رنگ دمکراتها و رنگ قرمز، رنگ جمهوری خواهان ترسیم می شود. اما در میان این رنگها، رنگهای کمرنگ تری هم هستند که به آونها Swing State ، و یا ایالات نوسانی لقب دادند. یعنی که معلوم نیست که تا آخرین دقایق رای قرمز میدهند و یا آبی. بعضی مواقع تصمیم نهایی این ایالات در انتخابات بسیار تعیین کننده است. براورد میشود که در انتخابات ترامپ – هریس تعداد آراء این ۷ ایالات که میشیگان و نوادا و آریزونا بخشی از این Swing State هستند به ۹۰ برسه که بسیارتعیین کننده است. اگر به نقشه نگاه کنید، سر این نقشه در شرق یعنی نیویورک و چند ایالت دیگر و دمب آن در غرب یعنی کالیفرنیا و واشنگتن و اورگان آبی و بدنه آن تقریبا تماما قرمز است اما این رنگها در دورانهای مختلف تغییر هم کرده اند اما همیشه تعداد قرمز ها بیشتر از آبی ها بوده اند. قبل از پایان این بخش یک توضیح کوتاه هم شاید بد نباشه. حتما در فیلمهای سوپر من دیده اید که در پایان سوپر من پرچم آمریکا را بر فراز کاخ سفید میکاره. پرچم آمریکا از چند ستاره، چند خط موازی و سه رنگ ابی، قرمز و سفید تشکیل شده : ستاره ها ۵۰ عدد اند، به تعداد ایالات. خطوط موازی ۱۳ تا هستند، نماد اولین سیزده ایالتی که ایالات متحده را بوجود آوردند. رنگ قرمز نماد سخت کوشی است. رنگ آبی نماد عدالت و بزرگواری است و رنگ سفید هم نماد پاکی، خلوص و یا Purity است.

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، به عنوان قهرمان صلح و آزادی و دمکراسی قدم به جهان بیرون از خودش گذاشت. اما با پیدایش سازمان سیا CIA در سالهای ۱۹۴۷ – ۱۹۴۸ و آغاز دخالت درسیاست و امور داخلی کشور های جهان این چهره در تقریبا کمتر از یک دهه پس از جنگ تغییر کرد. و این همان چهره ای است که تا به امروز اشکال پیچیده تری هم بخود گرفته است.

نکته ای که در شناخت چرایی تبیین گزیده های سیاست های داخلی و بین المللی مورد اهمیت است در اینستکه آمریکا نه به دشمن دائمی باور دارد و نه به دوست دائمی. آمریکا به آنچه که برای آمریکا اهمیت دارد باور داره. به آنچه که دوام سیستم آمریکا و امنیت

آمریکا را تضمین میکند می اندیشد. این نگاه، نگاهی pragmatisty است و به باور من نقطه عزیمت تبیین سیاست گزاری های آمریکا از همینجا آغاز میشود. بکلامی دیگر آمریکا یک سیاست داخلی دارد (مثلا در این انتخابات این دوره مسائلی شبیه، سقط جنین، گرانی مسکن و ارزاق، و نیازهای معیشتی، مالیات بر کالاهای وارداتی، مهاجرین و پناهندگان ملیونی غیر قانونی، قدرت کاخ سفید درزمینه عدم تمرکز و تصمیم گیری فدرآتیو، تورم و باز گرداندن سرمایه به آمریکا مورد نظر است) که همه رئیس جمهورها، صرفنظر از جایگاه حزبی و یا عقیدتی کمابیش به آن عمل میکنند و اختلاف چندانی مابین آنها وجود ندارد. اما آنچه که احزاب را مقداری از هم جدا میکند، تعیین مناسبات و سیاست های بین المللی است که آنهم بر زمینه آنچه برای آمریکا مهم است طراحی میشود که در این انتخابات مسائلی شبیه صلح جهانی، محیط زیست، پوتین و اوکراین، خاور میانه و اسراییل، چین و تقسیم اقتصادی جهان، جمهوری اسلامی و برجام و اگر دمکراتها برنده بشوند احتمالا پرداختن به مساله فلسطین مورد بحث است که بررسی هر دو این مباحث نیاز به مقاله و زمان دیگری دارد. در هر صورت مواضع و سیاست های امروز این دوحزب ان چیزی نیست که در آغاز قرن گذشته بود. زمانی بود که جورج واشنگتن هراس از این داشت که اگر انتخابات در آمریکا حزبی شود پایه های دمکراسی سست میشود. زمانی دیگر و بخصوص سالهای ۷۰ عقیده بر این بود که دمکراتها نماینده منافع نفتی ها و جمهوری خواهان نماینده منافع تسلیحاتی ها هستند. امروز اما به نظر میرسد که با شکل گیری طبقه سرمایه داری جهانی وهمراه با اهرمهای تبلیغاتی اش، یعنی رسانه ها، و اهرم نظامی اش، یعنی ناتو، فاصله این دو حزب از هر نظر بسیار باریکتر از نگرانی جورج واشنگتن و تقسیم بندی سالهای ۷۰ شده. بطور نمونه جورج بوش، کلینتون و اوباما هر سه به میزانی و به سهم خود به جهان تجاوز کردند.
آمریکا با انگیزه تامین سوخت ارزان به حریم خاورمیانه قدم گذاشت. اما درتضمین این منظور در رقابت با شوروی مواجه شد. نتیجه آنکه انگیزه دومی هم وارد سیاست های این کشور شد: جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه. اما برای موفقیت در هر دو این زمینه ها علاوه بر طراحی های سیاسی، نیاز به پایگاه و حضور در منطقه داشت. این بود که از سالهای ۶۰ ببعد مجبور به حمایت و تقویت نظامی اسراییل بسان ژاندارمی برای حفظ ثبات و آرامش کشورهای عربی گشت و با حمایت از شاه ضد کمونیست هم دیواری در مقابل نفوذ شوروی ساخت. سیاستی که سرآغازی برای جنگ بود. اما،

نقش جان اف کندی و تغییراتی که از آن زمان ببعد در نظام دخالت گرایانه و یا بقولی سیاست استعماری آمریکا رخ داد از یکسو و از سویی دیگر پایان جنگ سرد و فرو پاشی شوروی این معادله را دگرگون کرد وآمریکا توانست به تنهایی و از جایگاه نهاد قدرت جهانی تضمین جریان تامین سوخت و رهبری جهان را بعهده بگیرد. مسئولیتی که هنوز هم کماکان عهده دار است و در استفاده سوء از این جایگاه تا بحال کوتاه نیامده است، روشی که در سراسر جهان و بویژه در خاورمیانه عمدتا نقشی تخریبی داشته است. از آن میان میتوان به کودتا ها، توطئه ها، ترور شخصیت های سیاسی، تغییر رژیم ها و حمایت از رژیم های دیکتاتوری اشاره کرد. همزمان با این تحولات، سبب آفرینش فضایی از عناصری خشن و جنگ افروز مثل خامنه ای، پوتین، نتان یاهو، داعش و طالبان هم شده است. مجموعه ی این اقدامات، توازن قدرت که عامل حفظ و بقاء دمکراسی در سراسر جهان میباشد را بهم ریخته است که میتواند خطری بلقوه برای جنگ ها گردد. واقع آنستکه آمریکا دمکراسی را در سطح جهان بخطر انداخته است و اگر سیاست های بین المللی این کشور به نفع جهان تغییر نکند، آینده ی ناروشن جهان تاریک تر از آنچه که امروز هست خواهد شد. اینکه آیا پیمان شانگهای میتواند قطبی در برابر اتحاد غرب به رهبری آمریکا باشد یا نه برای من نا روشن است، چرا که، آنگاه که اروپا بسوی اتحاد و هم پایانی میرفت، سخن از این بود که این اتحاد میتواند تبدیل نیرویی در مقابل آمریکا شود. که نشد. و اگر بتوان نتیجه گرفت که سیا ست های آمریکا در خاور میانه نمونه ای از سیاست های این کشور در رابطه با بقیه جهان هم باشد و سیاست آمریکا در خاور میانه حفظ حضور خود در منطقه – چه حضوری و چه سایه ای – و بمنظور تامین جریان ثابت سوخت به هر بهایی است، بر همین منوال رقابت ها و تقابل های اقتصادی اش مثلا با چین میتواند تنش آفرین شود اما نه به حد رویارویی خصومت بار. نفت عربستان سعودی با تولید روزانه بین ۸ تا ۹ میلیون و گاه تا ۱۲ میلیون بشکه و نفت عراق با تو لید روزانه ۴ تا ۵ میلیون بشکه چیزی نیست که آمریکا براحتی از آن دل بکند. بازار جهانی هم آنقدر گسترده نیست که آمریکا اجازه دهد آن را با چین و یا کشور های دیگر بطور مساوی تقسیم کند. به باور من این کشور توانسته است از طریق ایجاد پایگاه های نظامی و حمایت همه جانبه از اسرائیل، منطقه و استفاده از سوخت آن را در استیلای خود درآورد. و این اصلی ترین دلیلی است که علیرغم در گیری های سیاسی و حتی هسته ای با ایران، آمریکا قصد حمله به ایران را ندارد زیرا که اولا ایران در موازنه جهانی، منهای

تهدید های لفظی و دخالتهای مذهبی منطقه ای خطری بلقوه برای آمریکا نیست و دیگر اینکه آمریکا نیازی به تامین سوختی ایران ندارد. بنا بر این آمریکا میتواند تا زمانی که خطری مستقیم برایش وجود ندارد، با استفاده از اسرائیل و نزدیکی با کشورهای عربی به بازی سیاسی با جمهوری اسلامی ادامه دهد. برجام نمونه ای از این سیاست کژ دار و مریز است. با اینهمه باید پذیرفت که این نوع سیاست، میتواند سبب تحریکاتی شود که نهایتا شعله ی جنگ های بزرگتری را بدنبال داشته باشد. ناگفته نماند که استدلال میشود که اسرائیل با هدف نهایی نابود کردن فلسطینی ها ناگزیر باید ایران را تا حد ممکن تضعیف کند ولی از آنجایی که خود به تنهایی قادر به انجام چنین کاری نیست سعی در وارد کردن آمریکا به این معرکه میکند. به گمان من علیرغم پیوند ناگسستنی بین آمریکا و اسراییل و علیرغم ناخشنودی آمریکا از تحریکات ایران در منطقه، بعید می آید که این کشور به نیابت از حمایت دوست خود وارد جنگ با ایران بشود. همانگونه که در حمایت از شاه از وقوع انقلاب جلوگیری نکرد و همانگونه که در مورد اوکراین و تایوان هم با روسیه و چین در نخواهد افتاد. اقتصاد و سیاست های جهان توسعه یافته پیچده تر و در هم تنیده تر از آنستکه با تصمیم های نا بهنگام قصد تغییر آن را داشت. بیهوده نیست که چین در همان زمان که با روسیه و کره شمالی و جمهوری اسلامی عکس یادگاری میگیرد، با آمریکا بر سر مسائل تعرفه های اقتصادی به گفتگوی بسیار صمیمانه مینشیند. بی شک پیامدهای تصمیم گیری های آمریکا و نقش رئیس جمهورهای منتخب سایه پررنگی بر آسمان جهان می اندازد، اما از سوی دیگر عرض اندامهای کشورهای استقلال یافته هم رفته رفته موفق به شکستن بعضی حبابهای قدر قدرتی شده اند.

در پایان جا دارد که به نکته ای هم اشاره شود. از آنجاییکه آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نقش بازوی دراز دمکراسی و حمایت از منافع غرب را بعهده گرفت، نقش اروپا از گزند نفرت و کینه جهانیان بدور ماند، در حالیکه در تمام این مناقشات بین المللی جای پای اروپا وجود داشت. لذا است که به گمان من در تغییر معادلات آینده و خطر جدی تر برای دمکراسی، بی گمان اروپا در کنار آمریکا قرار دارد و در صورت نیاز به دخالتگری مستقیم هم خواهد پرداخت، آلیانسی که از بعد از جنگ جهانی دوم به بعد مستحکم تر میشود.

▪این متن – بخش نخست – به مناسبت انتخابات آمریکا در

تاریخ شنبه دوم نوامبر ۲۰۲۴ برای یک میزگرد تنظیم شده بود. بخش دوم آن در تاریخ هشتم نوامبر ارائه خواهد شد.

بحث و گفتگوی نهادهای جمهوری‌خواه

جهت رسیدن به دیدگاه های مشترک

برای همکاری، همفکری و همگرائی

دومین نشست از سلسله گفتگوهای نهاد های جمهوری خواه، برای روشن کردن نظرات و دیدگاه‌ها و برنامه‌های آنان در راستای همفکری، همگرائی و همکاری با دیگر نهادهای مشابه، روز سه شنبه ۵ نوامبر ۲۰۲۴، در زوم برگزار می شود.

در این نشست «حزب جمهوری خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران»، به تشریح دیدگاهای خود در زمینه های ضرورت و چگونگی همکاری و همگرایی بین جمهوری خواهان، مشکلات و موانع موجود خواهد پرداخت.

این نشست ها هر دو هفته یک بار در روزهای سه شنبه، به مدت دو ساعت (از ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۲:۰۰ به وقت اروپای مرکزی) برگزار

خواهند شد. در هر نشست یک نهاد جمهوری خواهی به طرح و تشریح نظرات خود خواهد پرداخت.

امید است که نهادهای جمهوری خواهی به دیدگاه های مشترکی برای همکاری و همگرایی برسند.

این نشست ها علنی و شرکت در آن برای همگان آزاد است.

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

۳ نوامبر ۲۰۲۴

Beitreten Zoom Meeting

https://us02web.zoom.us/j/82958611841?pwd=ZXarwDTeQjUO6YpTKqw0TBE7VRaUwv.1

Meeting-ID: 829 5861 1841
Kenncode: 128977

درخواست از وریشه مرادی برای پایان دادن به اعتصاب غذا

وریشه مرادی، زندانی سیاسی کرد در زندان اوین بیش از 16 روز در اعتصاب غذا بسر میبرد. او از زمان بازداشت تحت فشارهای طاقت فرسا و آزارهای فیزیکی و روانی برای اعتراف اجباری قرار داشته است. او می‌گوید: «مرا به بند ۲۰۹ بازداشتگاه اوین منتقل کردند، در آنجا به مدت چهار ماه و نیم در بازجویی‌ها، تحت فشارهای بسیار، از جمله شکنجه‌های سفید، سناریوسازی‌های متناقض و فریبنده و تهدید به ترور شخصیت، گرفتن اعتراف اجباری و … نگه داشته شدم. سردردهای شدید و خون‌ریزی‌های مداوم (از ناحیه‌ی بینی)، شدیدتر شدن دردهای گردن و کمر، ارمغان روزهای حضورم در سلول انفرادی بود.

وریشه مرادی با وجود شرایط بس دشواری که در آن به سر می‌برد با کارزار سه شنبه های نه به اعدام که اینک سی و هشتمین هفته خود را پشت سر گذاشته است, همراه و اعلام همبستگی کرده و می‌گوید: جهت به بارنشستن اعتراض و موضع‌گیری صریح و شفاف کمپین‌های نه به اعدام در سراسر جهان که گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی با هدف متوقف کردن اعدام به راه انداخته‌اند، اعتصاب غذای نامحدود خود را ادامه خواهم داد.

مقاومت، همبستگی و اراده‌ای چنین رشک‌برانگیز البته مایه افتخار همه کسانی است که دل در گروی رهایی انسان از دارند. ما زندانیان سیاسی سابق, فعالین سیاسی, اجتماعی, فرهنگی و هنری در حالی که به مقاومت او درود می‌فرستیم و اراده پولادین او را می ستائیم. همزمان آگاهیم که جمهوری اسلامی و دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی آن قتل خاموش زندانیان سیاسی مقاوم در زندان ها ی سراسر کشور را همواره در برنامه خود داشته و با بی اعتنایی به درخواستهای بحق زندانیان سیاسی و بی توجهی به وضعیت

سلامتی و جسمی آنها در پی ستاندن جان آنهاست.

بدین جهت از او می‌خواهیم که به اعتصاب غذای طولانی خود پایان داده و در کنار مبارزات جاری با حضور خود به اعتراضات گسترده کنونی یاری رساند, چرا که تندرستی او بیش از هر چیز دیگری برای ما حائز اهمیت است. وانگهی ما برای تداوم مبارزه برای رهایی، به انسان‌هایی چنین دلاور و مبارز نیاز داریم. از این رو ما زندانیان سیاسی سابق, فعالین سیاسی, اجتماعی, فرهنگی و هنری از وریشه مرادی می‌خواهیم جهت باروری و افزایش توان مقاومت و اعتراض همگانی با پایان دادن به اعتصاب غذای طولانی خود در مسیر ناهموار پیش رو همگام ما باشد.

جمعی از زندانیان سیاسی سابق, فعالین سیاسی, اجتماعی, فرهنگی و هنری

لیست امضاها در سایت گزارشگر در لینک زیر:

https://www.gozareshgar.com/post/4859

میز گرد مشترک سه نهاد جمهوری خواه و لائیک ایران

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا
و پیامدهای آن در جهان، منطقه خاورمیانه
و بویژه در ایران

سخنرانان:

کیومرث صابغی
الهه امانی

شنبه ۲ نوامبر ۲۰۲۴،

ساعت ۱۹:۳۰ به وقت اروپای مرکزی

۲۱:۰۰ به وقت ایران

آدرس Zoom :

https://us02web.zoom.us/j/87652276963?pwd=akAJZApgkbEF7mi5kKb6uKknh6vTvH.1

Meeting-ID: 876 5227 6963

Kenncode: 537036

حزب جمهوری خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور